

گلگشت در وطن

محمد رسول دریا گشت

■ گلگشت در وطن (سفرنامه‌چه)

■ نوشته ایرج افشار

■ گردآوری: بابک، بهرام، کوشیار و آرش افشار

■ ۶۵۶ صفحه، قطع وزیری

■ نشر اختران، ۱۳۸۴

آنانی که نویسنده این اثر نفیس و ارزشمند را به خوبی می‌شناسند می‌دانند که بخش عظیمی از عمر پربار ایشان در سفر و سیاحت گذشته است. اینجا و در این گزارش منظور سفرهای خارج از وطن نیست که آن هم مقوله جداگانه‌ای است. از وی قبلاً در سفرنامه به نام‌های سواد و بیاض (دو جلد) ۱۳۴۴ و ۱۳۴۹ - و بیاض سفر، ۱۳۵۴ چاپ شده که بخشی مربوط به سفرهای خارج از وطن است. آنچه منظور نظر بوده سفرهای بلوک گردشی در وطن است که بسیار گسترده و وسیع و پر ارزش بوده، و بار جغرافیایی، تاریخی، کتاب‌شناسی و ادبی پر دامنه‌ای را در بر دارد. در مجموعه حاضر سفرنامه‌چه‌هایی چاپ شده که مربوط به «چهار مرز وطن» است. ابتدا ببینیم خود جناب ایرج افشار چه می‌گوید:

«در این سفرنامه‌ها کوشیده‌ام مطلبی بیاورم که کمتر گفته شده باشد. از چهل‌ستون، مسجد شاه، عالی‌قاپو و آثار درخشان دیگر اصفهان، از تخت جمشید و بازارگاد و شاه‌چراغ فارس، از مسجد گوهرشاد و گورجای فردوسی و نادر در مشهد، از مسجد کبود و باغ شمال و مقبره الشعراى تبریز خبری اساسی در این اوراق نمی‌بینید. مخصوصاً کوشش من آن بوده که وصف درخت‌های کهنسال، پوشش گیاهی، رنگ بیابان‌ها، سنگ‌قبرهای پراکنده، کتابه‌های دورافتاده، ساختمان‌هایی که از آنها کم گفته شده در این نوشته‌ها بیاید.»

همچنین گفته:

«سفرهای پیاده در کوه و کمر و زندگی با جوانان و گالشان از لذت‌های زندگی من بود.»

و نیز نوشته:

«من از سفرها همان طور آموخته‌ام که از کتاب‌ها، کوچه پس کوچه‌های شهرها، سنگ گور، آبادی‌های دورافتاده، لباس‌ها و ابزارهای بومی، کتابه‌ها، ساختمان‌های گذشته، درخت‌های کهنسال، امامزاده‌ها و آبدان‌ها، رباط‌ها و کاروانسراهای پراکنده در راه‌ها، نام‌های جغرافیایی خواه از آن آبادی‌ها و خواه طایفه‌ها و عشیره‌ها، قلعه‌ها و برج‌ها و میله‌های بر ساخته بر سینغ کوه و تپه‌ها و بالاخره سخنان مردمان نازنین و بانوان آنان همانند صفحه کتاب‌ها پر مطلب و با معنی بوده‌اند» (نقل قول‌ها از مقدمه کتاب حاضر است).

جناب ایرج افشار که او را «دیرینه شناس» باید گفت و از مفاخر فرهنگی زمان ماست سفرنامه‌نویسی را که از سال ۱۳۳۳ شروع کرده بود، متناوباً در مجلات و روزنامه‌های مختلف در طول زمان چاپ کرده است. اما فرزندان

علاقه‌مند او (مرحوم بابک افشار، بهرام افشار، کوشیار افشار و آرش افشار) آنها را گرد آورده بودند تا در روزی و روزگاری در مجموعه‌ای یکجا چاپ کنند. اینک نشر اختران این سفرنامه‌های پرمحتوا را که سرشار از اطلاعات مفید جغرافیایی و تاریخی و ادبی و فرهنگی است، و در حقیقت باید آن را «دایرة‌المعارفی» نام نهاد در ۶۵۶ صفحه چاپ کرده و به قیمت ۷۰۰۰ تومان به بازار عرضه کرده است. این قبیل مجموعه‌ها بسیار آموزنده و اطلاع‌دهنده و پر مطلب است، امید می‌رود به چاپ‌های مجدد برسد و ماندگار بماند.

از ایرج افشار در سال ۱۳۸۳ مجموعه نادره‌کاران نشر یافت که یکی دیگر از نوشته‌های ۵۰ سال گذشته او بود و شرح حال فضلا و اندیشمندان درگذشته ایرانی است که کلاً در یک کتاب قطور جمع‌آوری شده بود و از آثار با اهمیت است (نشر قطره، ۱۳۸۳).

مجموعه حاضر شامل حدود ۵۰ سفرنامه است که بین سال‌های ۱۳۳۳ تا ۱۳۷۸ نوشته و قبلاً چاپ شده بود و حدود ۴۵ سال گذشته را در بر می‌گیرد. البته جلد دومی هم در پی خواهد داشت که مربوط به سال‌های پس از آن تا سال اخیر است. هر یک از سفرنامه‌ها تحت عنوان خاصی نام‌گذاری شده. به قول یکی از بزرگان «ایران یعنی سرزمین آفتاب درخشان، آب روان و آثار باستان» را زیر پا گذاشته و اطلاعات بسیار مفید و سودبخشی را در اختیار خوانندگان می‌گذارد. حیف که عکس مناظر و مکان‌های مورد بحث در لابلا ابداً دیده نمی‌شود. در حالی که مطمئن هستم این ساحت‌ها هیچ وقت بدون عکس نبوده است. مناطق یا مکان‌هایی را که جنبه تاریخی داشته و او دیده، بعد کنجکاو شده، و اگر کتیبه یا سنگ قبری بوده، یا دیوان شعر و سند و قباله‌ای بوده یادداشت

کرده و نوشته است. آثار هنری هر منطقه، محصولات کشاورزی، سوابق تاریخی مکان‌های مورد بازدید را به وضوح نوشته، حتی نام غذاها و توصیف جغرافیایی منطقه را شرح داده است. با اطلاعات وسیعی که داشته هر کجا لازم بوده در تکمیل بازدید خود از محفوظات ذهنی استفاده کرده، یا به منابع قابل دسترسی رجوع نموده، مطالب پر فایده نموده است.

جناب افشار معمولاً در سفرهای خود که اغلب زمینی و با اتومبیل بوده، دوستان و همسفران فاضل و اهل علم را به همراه داشته که اسامی بعضی از این همراهان چنین بوده: ابراهیم پورداود، بدیع‌الزمان فروزانفر، مجتبی مینوی، حبیب یغمایی، یحیی مهدوی، اصغر مهدوی، محمد معین، زریاب خویی، باستانی پاریزی، احسان اشراقی، جلال ستاری، کیکاوس جهاننداری، دکتر هوشنگ دولت‌آبادی، احمد اقتداری، مجید مهران، محمدرضا شفیعی کدکنی، همایون صنعتی، محمدحسین اسلام‌پناه، عبدالرحمن عمادی، مصطفی مقربی، محمدتقی دانش‌پژوه و بسیار کسان دیگر که هر یک اهل سفر و اهل نظر بوده‌اند و طبعاً به بار مجموعه افزوده است. بیشتر از همه دکتر منوچهر ستوده استاد فرهیخته و چهره ماندگار دوران ما با ایرج افشار همراه بوده است.

اینک به جهت اینکه اندکی با محتوای این مجموعه بسیار نفیس آشنا بشوید فرازهایی از این اثر معتبر و مفید را نقل می‌کنیم:

در سال ۱۳۷۸ در سفری که به زنجان داشته در محلی به نام جمال‌آباد کاروانسرای که ویرانه بوده دیده که از عهد صفوی بر جای مانده. آنجا کتیبه‌ای دیده و نوشته که چنین است:

به عهد دولت شاهنشاه جهان عباس
 که هست ثانی عباس در عدالت و داد
 بنا نهاد اوغرللو امیر دیوانش
 رباط جانب دشت در جمال آباد
 بنای دولت او باد تا ابد محکم
 که کرده بهر شه این خانه دعا بنیاد
 چو یافت صورت اتمام این رباط از خیر
 به سعی قدرت بازوی بهترین استاد
 ز اتفاق همان گشت «فایضا» تاریخ
 رباط جانب دشت در جمال آباد

کتبه اسماعیل «۱۰۶۵» (ص ۴۲)

در سال ۱۳۷۵ در سفری به خراسان در منطقه جاجرم و گرمه از خصوصیات کار و زندگی اهالی آنجا و هنر بافندگی مرسوم در آنجا اطلاعاتی را به خواننده می‌دهد و می‌نویسد: «... نام پارچه‌های بافت جاجرم که از مولی شنیدم اینهاست: ململی، ارمک، خانم قندی، سفیدابی، چشم گلگلی، کرباس ساده و تمینی...»

از خوراکی‌های آنجا: اوگره، هسی، لغزی، جنعمه، جوپره، ماستوه و شلقرونی را نام می‌برد...» (ص ۲۰۹)

در سال ۱۳۷۵ در ابرقو در خانه حسن کارگر می‌رود و این نسخه‌های خطی را در خانه وی می‌بیند و یادداشت می‌کند:

- تنکسوق نامه نصرالدین طوسی مورخ ۹۹۰ هجری
- ذخیره خوارزمشاهی از قرن نهم هجری
- زبدة الکامل (طب منظوم) سروده شریف در ۹۱۰ هجری
- شرح اصول کافی مورخ ۱۰۸۷ هجری
- طب به عربی، نسخه قدیمی قرن هشتم
- طب اکبری، مورخ ۱۲۱۷ هجری
- مجموعه به خط جنابذی طبیب در ۹۹۶ در مدرسه شاهرخیه مشهد (ص ۲۲۲).

— در سال ۱۳۶۷ به سفری که همراه دکتر منوچهر ستوده به آذربایجان رفته بود گذرش به منطقه کاغذکنان می افتد و می نویسد «در اطراف میانه دو آبادی کاغذکنان و ترک (Tark) جنبه تاریخی دارد. کاغذکنان محلی بوده است که در عهد مغول آنجا کاغذ می ساخته اند. اکنون نه هیچ اثری از کاغذ است و نه کارگاه کاغذسازی. آنجا را در قدیم خانه (= خانج) می گفته اند. در نزهة القلوب مستوفی ذکرش و یاد کاغذهای مرغوبش شده است...» (ص ۳۰۰)

— در سال ۱۳۶۷ به خراسان رفته و از بیشتر مناطق سرزمین پهناور آنجا عبور کرده و گذرش به اسفراین می افتد و می نویسد:

«سعادتى بود که قدرت الله روشنى از تهران آمده بود و در خانه محمدخان برادرش مقیم بود... اسفراین شهری است قدیمی. زمانی بر سر راه قدیم خراسان به ری بود. خرابه های شهر بلقیس، نقارخانه، تپه منار، بند مهار، ویرانه های موجود در کوه سالوک، بقعه منطقه بیدو از یادگارهایی است از گذشته با اهمیت منطقه. از بیدواز در سیرت جلال الدین منکبرنی نام رفته و عارف بیدوازی از آنجا بوده است.»

— در سال ۱۳۶۵ ضمن سفر از بوشهر به فارس به خراشبنند می‌رسد و می‌نگارد:

«خانه‌ها پشت بامی است با لبه‌های چوب پوش که در اصطلاح محلی آنها را بورگین (Borgin) یا اشکزه می‌گویند. دیوارها چینه است. در اصطلاح این محل به آن وسبو (vesbo) گفته می‌شود. گذران مردم آنجا از باغداری خرما و مرکبات است. نام خرماها: کبکاب، شاهانی، چپ چپ، هلیلاتی، خاسوی، قندی، مکتب، گنتهار و بریهی...» (ص ۳۴۱)

— در سال ۱۳۴۸ ضمن سفر به مشهد یک روز به دیدار مرحوم فرخ خراسانی می‌رود و از کتابخانه‌اش دیدن می‌کند، پس آن‌گاه می‌نویسد:

«در کتابخانه استاد شعرای سستی خراسان، محمود فرخ قریب دویست و پنجاه نسخه خطی دیدم. اغلب دیوان شعرا و کتب ادبی و تاریخی بود. مشخص است که آنها را با ذوقی خاص و دیدی معین جمع‌آوری فرموده است. سفرنامه امین لشکر* و سفرنامه اعتماد نظام و کنزالملوک شوشتری و رساله‌ای از عبدالله بهابادی از نسخه‌هایی است که نشانی از آنها را در کتابخانه دیگری ندیده بودم. رساله بهابادی مزیت دیگری هم دارد و آن اینکه به خط خود مولانا عبدالله است. یعنی صاحب حاشیه مشهور به ملاعبدالله...» (ص ۴۵۹)

اطلاعات بسیار مفید و همه‌گونه‌ای در مجموعه هست، و آنچه نقل شد نمونه‌ای است از این اثر جامع و با ارج.

*. این سفرنامه در سال ۱۳۷۴ با همکاری جناب ایرج افشار و اینجانب تحت عنوان «روزنامه سفر خراسان» به چاپ رسید و نشر اساطیر آن را منتشر کرد.